

سنخ‌شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

وجه‌الله قربانی زاده^۱

چکیده

در دهه‌های گذشته تلاش‌های زیادی از سوی اندیشمندان علم مدیریت برای شناسایی و تعریف ماهیت رهبری و مدیریت انجام و حاصل کار در قالب نظریه‌های مختلف بیان شده است. با این وجود موضوع رهبری و مدیریت از چنان دامنه وسیعی برخوردار است که مطالعات بیشتری را با دیدگاه‌های متفاوت طلب می‌کند. در این نوشته سعی شده است با استناد به فرمایشات امیرالمؤمنین علی (ع)، ویژگی‌های رفتاری مدیران در نظام اسلامی و دینی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و با محور قرار دادن یکی از جملات آن حضرت که در آن به سه بعد اصلی ورع، علم و سیاست تأکید شده است، طیفی از انواع مدیران مطرح و با توجه به ابعاد یاد شده، هشت گونه از انواع مدیران تبیین و تشریح گردد.

واژگان کلیدی: مدیریت اسلامی، مدیران دینی، سنخ مدیران، ورع، علم، سیاست

مقدمه

قرن گذشته شاهد تحولات اساسی در نظریه‌های رهبری و مدیریت بود و در آن با ارائه نظریه‌های اقتضایی گام بلندی در نظریه‌پردازی پیرامون موضوع رهبری برداشته شد و بر این نکته تأکید شد که در شرایط مختلف، سبک‌های گوناگون رهبری و مدیریت می‌تواند مفید و مؤثر باشد. تحقیقات فیدلر به دو نوع سبک مدیریت وظیفه‌مدار و انسان

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

مدار در چارچوب‌های اقتضایی اشاره دارد. بلیک و موتون معتقدند که یک فرد می‌تواند دارای دو بعد انسان‌گرایی و وظیفه‌گرایی یا رابطه‌مداری و کارمداری باشد. تمامی نظریه‌های رهبری به نوعی دو بعد انسان‌گرایی و وظیفه‌گرایی را مطرح کرده‌اند که مسلماً با موقعیت‌های واقعی زندگی که بسیار پیچیده و گوناگون هستند، تفاوت‌های چشمگیری دارند (الوانی، ۱۳۷۶: ۶). دسته‌بندی دیگری که از مدیران در ادبیات مدیریت به چشم می‌خورد این است که آنان را با توجه به سطوح سلسله‌مراتبی سازمان به سه گروه مدیران عملیاتی / سرپرستان، میانی / تصمیم‌گری و عالی / راهبردی تقسیم کرده‌اند.

امروزه بسیاری از دانشمندان بر این باورند که نظریه‌ها در بستر فرهنگی شکل می‌گیرد و نظریه‌پردازان خواه ناخواه تحت تأثیر آموزه‌های فرهنگی و بستر رشد اجتماعی خود قرار می‌گیرند (برای مثال؛ میرباقری، ۱۳۸۷). هم‌چنین هر نظریه‌ای دارای دو گونه کارکرد است: الف) توصیف نظام‌مند پدیده مورد بررسی و ب) پیش‌بینی رفتار آتی آن پدیده (هومن، ۱۳۸۴: ۱۱). از آنجا که اکثریت قریب به اتفاق نظریه‌های مدیریتی در بسترهای فکری و فرهنگی غرب نزع یافته و سپس به اقصا نقاط دنیا گسرش پیدا کرده است، طبعاً نمی‌تواند پدیده‌های مدیریتی را در نظام‌های فرهنگی دیگر، به‌ویژه در نظام‌های مبتنی بر اسلام به درستی توصیف و تبیین کند. در یک نظام دینی / اسلامی، مدیران در شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بخصوصی مشغول به فعالیت هستند و در اعمال سبک‌های مدیریتی خود بایستی به الزامات و ویژگی‌های ارزشی جامعه پای‌بند باشند، در چنین جامعه‌ای نیازمند نظریه‌های بومی و برخاسته از متن داده‌های واقعی پدیده‌های مدیریتی هستیم. از جمله می‌توان در زمینه دسته‌بندی مدیران در نظام دینی / اسلامی نیز به نظریه جدیدی دست یافت.

آن‌چه مسلم است این که استفاده از سیره نظری و عملی بزرگان دین (پیامبران و امامان) می‌تواند در نظریه‌پردازی‌های جدید بسیار راه‌گشا و آموزنده باشد. این نوشته بر آن است که با بهره‌گیری از متون اسلامی، دسته‌بندی نوینی از مدیران در یک نظام دینی / اسلامی ارائه دهد و در این مسیر پیش‌فرض‌های زیر را در نظر داشته است:

۱. پیامبران و امامان معصوم به خزائن علوم الهی متصل‌اند و علوم واقعی در نزد

ایشان می‌باشد.

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

۲. پیامبران و امامان معصوم، افراد حکیم می‌باشند و جملات و بیانات آنان عصاره علوم و دانش‌های مختلف است که قابلیت شرح و تفصیل و تعبیر و تفسیر را دارد.
۳. غایت علم، شناخت خداوند متعال و حرکت در مسیر کمال می‌باشد.
۴. امامان معصوم راسخون در علم‌اند، واجد تمامی علوم‌اند، وارثان دانش پیامبران هستند، علم در سینه آنان ضبط است و اهل ذکر می‌باشند که خداوند فرموده‌است
سؤالات خود را از آنان پرسید (کلینی، ۱۳۶۴).
۵. پیامبر اسلام خاتم پیامبران و شهر علم و علی (ع) دروازه ورود به آن است و از آن‌جا که هیچ اختلافی بین پیامبران وجود ندارد (سوره بقره، آیه ۲۸۵)، آموزه‌ها و نظریه‌های اسلامی را می‌توان به سایر جوامع دینی تعمیم داد.
۶. در متون اسلامی و منابع دینی، شرایط و ویژگی‌های متعددی را برای زمام‌داران/مدیران جامعه یادآوری کرده‌اند که نامه شماره ۵۳ امام علی (ع) به مالک اشتر نخعی در کتاب نهج‌البلاغه از معروف‌ترین و برجسته‌ترین این متون تاریخی است که واجد نکات بسیار آموزنده، دقیق و جامع است. اما از آن حضرت در منابع دیگر نیز احادیثی نقل شده است که توجه و تأمل در محتوای آنها می‌تواند روزه‌های جدیدی از دانش را به روی علاقه‌مندان باز کند. آنچه در پی می‌آید، تأمل در یکی از جملات امام علی (ع) است که می‌فرماید: برای سرپرستی امور خود کسی را برگزین که اهل ورع، علم و سیاست باشد^۱ (بن علی ابن الحسین، ۱۳۶۶: ۱۳۲). در ادامه سه واژه یاد شده با تفصیل بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد و سپس طیف هشت‌گانه مدیران که بر مبنای بررسی تفصیلی این سه واژه استخراج شده است تشریح می‌شود.

۱. فاصطف لولایه اعمالک اهل الورع والعلم والسیاسة

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

معنی لغوی ورع

برای واژه ورع دو معنی در نظر گرفته شده است: ۱. پرهیزگاری، تقوی، پارسایی؛ ۲. اجتناب از شبهات از ترس وقوع در محرمات (معین، ۱۳۷۸: ۵۰۶).

معنی لغوی علم

برای واژه علم معانی زیر بیان شده است: ۱. دانستن، هر چیز دانسته، معلوم، معرفت، دانش (مقابل ظن و جهل)؛ ۲. یقین، یقین کردن؛ ۳. در فلسفه: ادراک مطلق یا حصول صور اشیا نزد عقل چه آن که نفس معلوم باشد که علم حضوری است و یا به واسطه‌ای معلوم باشد که علم حصولی است، یقینی باشد یا وهمی و شکی، علم به کنه باشد یا به وجه؛ ۴. در شرع: نوری است مقتبس از مشکات نبوت در دل بنده مؤمن که بدان راه یابد به خدای یا به کار خدای یا به حکم خدای (معین، ۱۳۷۸: ۲۳۴۲).

معنی لغوی سیاست

برای واژه سیاست معانی زیر بیان شده است: ۱. حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت؛ حکومت کردن، ریاست کردن؛ ۲. حکومت، ریاست، حکم‌داری؛ ۳. سزا، جزا، تنبیه؛ ۴. عدالت، داوری؛ ۵. محافظت حدود ملک؛ ۶. اداره امور داخلی و خارجی کشور (معین، ۱۳۷۸: ۱۹۶۶).

حال پس از مرور معنی لغوی سه واژه کلیدی مصرح در حدیث علوی، ویژگی‌های اهل ورع، علم و سیاست به تفکیک و با استفاده از کتاب نهج‌البلاغه (ترجمه جعفری و دشتی) بیان می‌شود.

ویژگی‌های اهل ورع

با بهره‌گیری از متن نهج‌البلاغه (خطبه ۱۹۳، صص ۶۶۷-۶۵۷؛ خطبه ۸۷، صص ۲۳۱-۲۲۴؛ خطبه ۱۱۴، صص ۳۵۱-۳۴۴؛ نامه ۴۷، صص ۹۲۹-۹۲۴) ویژگی‌های زیر را می‌توان

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

برای اهل ورع به اختصار برشمرد:

♦ ایمان

- ۱- به بهشت و دوزخ یقین دارند، چونان که آنها را دیده و نعمت و عذاب آنها را چشیده اند؛
- ۲- خالق کائنات در نفوس آنها بزرگ و جز خدا در چشم‌شان کوچک است؛
- ۳- اگر اجل (پایان زندگی معین) نبود، روح‌شان در بدن قرار نمی‌گرفت (به اشتیاق پاداش و بیم از کیفر)؛
- ۴- قوت در دین و ایمان در یقین دارند و دینشان محفوظ است و
- ۵- قلب‌شان تسلیم محض خداست.

♦ عبادت

- ۱- انس شبانه با قرآن دارند؛
- ۲- اهل عبادت و دعا هستند و خضوع در عبادت دارند؛
- ۳- بدن‌های‌شان لاغر است؛
- ۴- از اعمال خود رضایت به اندک نمی‌دهند و زیادی اعمال را هم زیاد نمی‌دانند و
- ۵- در شبانه روز به یاد خدا بوده و شکرگزار هستند و از گروه یادآوران شمرده می‌شوند (نه غافلان).

♦ اقتصاد

- ۱- پوشاک‌شان معمولی است و خوراک‌شان کم است؛
- ۲- احتیاجات‌شان سبک است؛
- ۳- میانه‌روی در ثروت دارند (قصد آفی غنی)؛
- ۴- طلب روزی حلال می‌کنند؛
- ۵- دوری از طمع می‌کنند و
- ۶- پارسایی و امتناع از چیزهای فانی دارند.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

♦ علم

- ۱- گوش به علم سودمند می‌دهند؛
- ۲- منطق درست و صحیح دارند؛
- ۳- دل‌باخته کمال هستند؛
- ۴- اشتیاق برای علم دارند و
- ۵- علم‌شان با بردباری توأم است و قول‌شان با عمل.

♦ اخلاق

- ۱- حرکت‌شان بر اساس فروتنی است؛
- ۲- چشم از حرام می‌پوشند؛
- ۳- نفوس‌شان در موقع بلا همان‌گونه است که در حالات آسایش؛
- ۴- دل‌های‌شان اندوه‌گین است؛
- ۵- مردم از شر آنها در امانند و همواره خیر از آنها مورد آرزوست؛
- ۶- نفوس‌شان پاک و پاکیزه است؛
- ۷- اهل صبر هستند که این صبر آسایش طولانی در پی دارد؛
- ۸- اسیر دنیا نیستند؛
- ۹- از تعریف و تمجید شدن می‌ترسند؛

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

- ۱۰- نشاط در هدایت دارند؛
- ۱۱- کارهای نیکو به جای می آورند، در حالی که بیم ناک هستند (بیم ناک از غفلت و شادمان از رحمت)؛
- ۱۲- با خواهش های نفسانی مبارزه می کنند؛
- ۱۳- آرزوهای شان نزدیک است؛
- ۱۴- لغزش شان اندک است؛
- ۱۵- نفس شان قانع است؛
- ۱۶- شهوت شان مرده و غضب شان فرو خورده؛
- ۱۷- اهل گذشت و بخشش هستند؛
- ۱۸- گفتارشان نرم و معتدل است؛
- ۱۹- با وقارند؛
- ۲۰- در برابر عداوت، تعدی و تجاوز نکنند؛
- ۲۱- اعتراف به حق دارند، از حق خارج نشوند و در باطل داخل نگردند؛
- ۲۲- اهل شماتت و اهانت نیستند؛
- ۲۳- امانت دار هستند؛
- ۲۴- تکبر و فریب کاری ندارند و
- ۲۵- در هنگام خنده صدای شان به قهقهه بلند نمی شود.

ویژگی های اهل علم

ویژگی های زیر را می توان برای اهل علم برشمرد:

♦ علم در اعضا و جوارح آنها آشکار است؛

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

اوضع العلم ما وقف علی اللسان و ارفعه ما ظهر فی الجوارح و الارکان (دشتی، حکمت ۹۲، ص ۶۴۲).

بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

الداعی بلا عمل کالرامی بلا وتر (دشتی، حکمت ۳۳۷، ص ۷۰۸)؛ دعوت‌کننده بی‌عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.

فان رواه العلم کثیر و رعاته قلیل (دشتی، خطبه ۲۳۹، ص ۴۷۴)؛ راویان دانش بسیار، اما حفظ‌کنندگان و عمل‌کنندگان به آن اندک‌اند.

♦ دانش‌شان توأم با ایمان است؛

و بالايمان يعمر العلم (دشتی، خطبه ۱۵۶، ص ۲۹۰)؛ با ایمان، علم و دانش آبادان است.

♦ با علم‌شان بقا می‌یابند؛

هلک خزان الاموال و هم احیاء، والعلماء باقون ما بقی الدهر، اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده (دشتی، حکمت ۱۴۷، ص ۶۶۰)؛ ای کمیل: ثروت‌اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان تا دنیا برقرار است، زنده‌اند؛ بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنها در دل‌ها همیشه زنده است.

♦ علم‌شان سودمند است؛

و تفهم وصیتی، ولا تذهبن عنك صفحا، فان خیر القول ما نفع. واعلم انه لا خیر فی علم لا ینفع، ولا ینتفع بعلم لا یحق تعلمه (دشتی، نامه ۳۱، ص ۵۲۰)؛ وصیت مرا به درستی دریاب و به سادگی از آن در نگذر، زیرا بهترین سخن آن است که سودمند باشد. بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار یادگیری نیست، سودی ندارد.

♦ به دانش بیشتر از مال اهمیت داده و دامنه آن را توسعه می‌دهند؛

ای کمیل، دانش بهتر از مال است، زیرا علم نگهبان توست و مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد؛ مقام و شخصیتی که با مال به

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

دست آمده با نابودی مال نابود می شود. ای کمیل، شناخت علم راستین (علم الهی) آئینی است که با آن پاداش داده می شود و انسان در دوران زندگی با آن خدا را اطاعت می کند و پس از مرگ نام نیکو به یادگار گذارد؛ دانش فرمان روا و مال فرمان بردار است (دشتی، حکمت ۱۴۷، ص ۶۵۹).

کل وعاء یضیق بما جعل فیہ الا وعاء العلم، فانه یتسع به (دشتی، خطبه ۲۰۵، ص ۶۷۲)؛ هر ظرفی با ریختن چیزی در آن پر می شود، جز ظرف دانش که هر چه در آن جای دهی، وسعت اش بیشتر می شود.

♦ همیشه به دنبال یادگیری هستند؛

منهومان لا شعبان، طالب علم و طالب دنیا (دشتی، حکمت ۴۵۷، ص ۷۳۸)؛ دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال

♦ در قبال علم خود احساس مسئولیت می کنند؛

ما اخذالله علی اهل الجهل ان يتعلموا حتی اخذ علی اهل العلم ان يعلموا (دشتی، حکمت ۴۷۸، ص ۷۴۲)؛ خدا از مردم نادان عهد نگرفت که بیاموزند، تا آن که از دانایان عهد گرفت که آموزش دهند.

ویژگی های اهل سیاست

ویژگی های زیر را می توان برای اهل سیاست برشمرد:

♦ هشیار و بصیر بوده و از سوی دشمنان غافلگیر نمی شوند؛

به خدا سوگند از آگاهی لازمی برخوردارم و هرگز غافلگیر نمی شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیرم نمایند (دشتی، خطبه ۶، ص ۵۰).

امام علی (ع) پس از فتح بصره و کشته شدن طلحه و زبیر فرمودند: من همواره منتظر سرانجام حيله گری شما مردم بصره بودم و نشانه های فریب خوردگی را در شما می نگریستم. تظاهر به دینداری شما، پرده ای میان ما کشید ولی من با صفای باطن، درون شما را می خواندم (دشتی، خطبه ۴، ص ۴۸). آگاه باشید که شیطان (سران شورشی جمل) حزب خود را جمع کرده و سواره و پیاده های لشکر خود را فراخوانده است؛ اما من

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

آگاهی لازم را به امور دارم، نه حق را پوشیده داشتم و نه حق بر من پوشیده ماند (دشتی، خطبه ۱۰، ص ۵۴).

♦ راه‌های حيله و مکر را می‌شناسند ولی امر و نهی الهی مانع از به کارگیری آن می‌شود؛

آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد. اما امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چه فکر می‌کنید؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا شخصی تمام پیش آمده‌های آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با این که قدرت انجام آن را دارد، آن را به روشنی رها می‌سازد. اما آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ‌بازی استفاده می‌کند (دشتی، خطبه ۴۱، ص ۹۴).

♦ حقوق مردم را رعایت می‌کنند؛

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است؛ حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. اما حق من بر شما این است که با بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم، اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید (دشتی، خطبه ۳۴، ص ۸۶).

خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم، و نیرومند در نزد من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم (دشتی، خطبه ۳۷، ص ۹۰).

♦ وسیله را با هدف توجیه نمی‌کنند؛

حضرت در جواب توصیه به انجام کاری شبیه معاویه که یاران امام را تطمیع و خریداری می‌کرد، فرمودند: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم در باره امت اسلامی که بر آنها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

نخواهم کرد؛ اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! آگاه باشید بخشیدن مال به آنها استحقاق ندارد (دشتی، خطبه ۱۲۶، ص ۲۳۸).

♦ با انجام اصلاحات و اجرای قوانین و مقررات الهی امنیت را برای بندگان ستم‌دیده فراهم می‌کنند؛

خدایا تو می‌دانی جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد (دشتی، خطبه ۱۳۱، ص ۲۴۸).

♦ به گفته خود عمل کرده و مسئولیت رفتار خود را می‌پذیرند؛

آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم و خود به آن پایبندم. کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود و از عذاب آن پند گیرد، تقوی و خویشنداری او را از سقوط در شبهات نگه می‌دارد (دشتی، خطبه ۱۶، ص ۵۸).

♦ آلت دست دیگران قرار نمی‌گیرند؛

کن فی الفتنه کابن البون، لا ظهر فیرکب، و لا ضرع فیحلب (دشتی، حکمت ۱، ص ۶۲۴)؛ در فتنه‌ها چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند.

پس از قتل عثمان هنگامی که مردم برای بیعت با علی (ع) به در خانه آن حضرت آمدند، فرمودند: آگاه باشید، اگر دعوت شما را بپذیرم، بر اساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم (عدل) و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش کنندگان گوش فرا نمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، چون یکی از شماها هستم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم، در حالی که من وزیر و مشاورتان باشم بهتر است که

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

رهبر شما باشم (دشتی، خطبه ۹۲، ص ۱۷۲).

♦ جرأت مقابله با انحرافات، فساد و باطل را دارند و سازش‌ناپذیرند؛

ای مردم، من بودم که چشم‌فتنه را در آوردم و جز من هیچ کس جرأت چنین کاری را نداشت، آنگاه که امواج سیاهی‌ها بالا گرفت و به بالاترین درجه شدت خود رسید (دشتی، خطبه ۹۳، ص ۱۷۲).

من همواره با یاری انسان حق‌طلب، بر سر آن می‌کوبم که از حق روی‌گردان است، و با یاری فرمان‌بر مطیع، نافرمان اهل تردید را در هم می‌شکنم تا آن روز که دوران زندگی من به سر آید (دشتی، خطبه ۶، ص ۵۰).

آن حضرت در نامه‌ای خطاب به معاویه می‌فرماید: همانا برای تو به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی که به آن وفادارم، اگر روزگار، من و تو را در یک جا گرد آورد، هم چنان بر سر راه تو خواهم ماند تا خدا میان ما داوری کند و او بهترین داوران است (دشتی، نامه ۵۵، ص ۵۹۴).

هم‌چنین پس از جنگ صفین در نامه‌ای خطاب به عمرو عاص می‌فرماید: اگر خدا مرا بر تو و پسر ابوسفیان مسلط گرداند، سزای زشتی‌های شما را خواهم داد؛ اما اگر قدرت آن را نیافتم و باقی ماندید، آنچه در پیش روی دارید برای شما بدتر است (دشتی، نامه ۳۹، ص ۵۴۴).

با مرور بار معنایی واژگان ورع، علم و سیاست و ویژگی‌های افرادی که از این‌گونه خصایص برخوردارند، می‌توان به سنخ‌بندی جدیدی از مدیران در نظام دینی دست یافت.

سنخ‌بندی مدیران

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، حضرت امیر (ع) می‌فرماید: کارگزارانت را از میان کسانی انتخاب کن که اهل ورع، علم و سیاست باشند (حسن‌بن‌علی، ۱۳۶۶: ۱۳۲). این عبارت در عین کوتاه بودن، حاوی ویژگی‌های اساسی و مهمی است که یک مدیر نظام دینی / اسلامی باید متصف به آن باشد و آن دارا بودن «ورع و پرهیزگاری»، «علم و دانش» و «سیاست» است و در نظام اسلامی اگر مدیری فاقد این خصوصیات باشد،

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

شایستگی احراز آن مقام را ندارد و باید جای خود را به کسی بدهد که از لحاظ این ویژگی‌ها نسبت به او برتری دارد.

با توجه به فرموده حکیمانه امام علی (ع) می‌توان گفت که سه ویژگی ورع، علم و سیاست شکل‌دهنده عملکرد و سبک رفتاری مدیران می‌باشد. طبعاً در زندگی هر فردی یک یا چند خصیصه شکل غالب به خود می‌گیرد و خصیصه‌هایی نیز نقش ضعیف‌تری را ایفا می‌کنند. با توجه به غالب و مغلوب بودن سه ویژگی ورع، علم و سیاست در زندگی مدیران، و از ترکیب این وجوه غالب و مغلوب با یک‌دیگر، هشت حالت احتمالی پیش می‌آید.

اگر وجوه غالب ورع، علم و سیاست به ترتیب با حروف بزرگ A، B و C و وجوه مغلوب آنها به ترتیب با a، b و c نشان داده شود، از ترکیب حالت‌های احتمالی این سه خصیصه با یک‌دیگر، می‌توان به ۸ گونه از مدیران در نظام دینی / اسلامی دست یافت. جدول شماره ۱ سنخ‌های هشت‌گانه مدیران را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: سنخ‌های مدیران در نظام دینی / اسلامی

ردیف	سنخ / نوع مدیران	ترکیب ویژگی‌ها
۱	مدیر لایق	A B C
۲	مدیر متعهد متخصص	A B c
۳	مدیر متحجر سوداگر	A b C
۴	مدیر فن‌سالار سوداگر	a B C
۵	مدیر متحجر	A b c
۶	مدیر فن‌سالار	a B c
۷	مدیر سوداگر	a b C
۸	مدیر نالایق	a b c

همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، زمانی که هر سه ویژگی ورع، علم و سیاست در حد بالا در مدیر وجود داشته باشد، چنین مدیری را می‌توان مدیر شایسته و «لایق» نام‌گذاری کرد. در صورتی که تنها دو عنصر ورع و علم در حد بالا و عنصر

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

سیاست در حد پائین وجود داشته باشد، چنین مدیری را می‌توان مدیر «متعهد متخصص» نامید. هم‌چنین اگر دو ویژگی ورع و سیاست جنبه غالب و ویژگی علم جنبه مغلوب داشته باشد، چنین شخصی را شاید بتوان مدیر «متحجر سوداگر» نامید. اما اگر ویژگی‌های علم و سیاست وجه غالب و ویژگی ورع وجه مغلوب به خود بگیرد، چنین مدیری را می‌توان «فن‌سالار سوداگر» نام گذاشت. اگر تنها عنصر ورع در فرد قوت داشته و دو ویژگی دیگر در حد ضعیف وجود داشته باشد، نام «مدیر متحجر» شاید زیبنده چنین فردی باشد. مدیری که تنها وجه غالبش داشتن علم باشد، «مدیر فن‌سالار» و مدیری که تنها اهل سیاست بوده و بهره‌چندانی از ورع و علم نبرده باشد، «مدیر سوداگر» نامیده می‌شود. طبعاً مدیری که هیچ‌گونه برجستگی در زمینه ویژگی‌های سه‌گانه ورع، علم و سیاست نداشته باشد را می‌توان «مدیر نالایق» لقب داد. در ادامه در باره هر یک از این مدیران توضیحات مختصری داده می‌شود.

۱- مدیر لایق

در این دسته از مدیران، سه ویژگی ورع، علم و سیاست در حد بالا وجود دارد. اینان از ایمان قوی به آخرت و معاد برخوردار بوده و مدیریت‌شان در راستای بهره‌گیری از دنیا و تهیه زاد و توشه فراوان برای آخرت است. از سویی، بریده از دنیا نیستند و از سوی دیگر، خسرالدنیا و الاخره هم نیستند:

«با مردم دنیا در دنیایشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گفتند آن‌گونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره‌مند بودند. پس از این دنیا با زاد و توشه فراوان و تجارتی پر سود به سوی آخرت شتافتند (دشتی، نامه ۲۷، ص ۵۰۸).»

این مدیران در زمینه کاری خود متخصص بوده، در اکتساب و نشر دانش سودمند خود دائماً در تلاش‌اند:

«و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند (دشتی، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۲).»
نسبت به حقوق متقابل خود و مردم آگاهی دارند و با آنان مطابق حق و عادلانه

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

برخورد می کنند. به قوانین و مقررات پای بند بوده و با برخورد قاطع با قانون شکنان، منحرفین و افراد فاسد، برای عموم مردم و بخصوص بندگان ستم دیده و محروم، امنیت ایجاد می کنند. البته این راه را با مشارکت و پشتیبانی مردم طی می کنند:

«من همواره با یاری انسان حق طلب، بر سر آن می گویم که از حق روی گردان است، و با یاری فرمان بر مطیع، نافرمان اهل تردید را در هم می شکنم، تا آن روز که دوران زندگی من به سر آید (دشتی، خطبه ۶، ص ۵۰).»

رفتارهای سیاسی سازمان را می شناسند و با هوشیاری و بصیرتی که دارند، هرگز آلت دست دیگران قرار نمی گیرند. اهل کردار و عمل اند، نه گفتار و حرف. در باره طلحه و زبیر و اصحاب جمل فرمودند:

«چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سست گردیدند! ولی ما این گونه نیستیم، تا عمل نکنیم، رعد و برقی نداریم و تا نداریم، سیل جاری نمی سازیم (دشتی، خطبه ۹، ص ۵۲).»

۲- مدیر متعهد و متخصص

در رفتارهای این دسته از مدیران ویژگی های مربوط به تقوا و پرهیزگاری و هم چنین عمل بر مبنای علم و دانش مشهود بوده و ورع و علم وجه غالب زندگی آنها را تشکیل می دهد؛ اما با وجود این خصوصیات مثبت، از بعد سیاست ضعیف هستند. به همین دلیل، شاید در بعضی از مواقع وسیله را با هدف توجیه نمایند و در برابر بی عدالتی ها و حق کشی ها سکوت کنند. ممکن است تطمیع و غافل گیر شده و به این دلیل جرأت مقابله با انحرافات را نداشته باشند. هم چنین ممکن است به دلیل فقدان بصیرت و هشیاری لازم، آلت دست دیگران قرار گرفته و تبعات رفتارهای خود را به عهده نگیرد.

شاید شخصیت ابوموسی اشعری در تاریخ اسلام نمونه خوبی از این دسته مدیران باشد که با ساده لوحی و عدم درک و شناخت صحیح از شرایط، رفتارش منجر به لطمه جبران ناپذیری به امت اسلامی شد.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

۳- مدیر متحجر سوداگر

ویژگی‌های ورع و سیاست در رفتارهای این دسته از مدیران برجسته بوده و شکل غالب به خود می‌گیرد. اما ویژگی علم و عمل بر مبنای دانش و معرفت سودمند معمولاً به فراموشی سپرده می‌شود. به همین دلیل اگر چه چنین فردی از تقوا و سیاست لازم برای مدیریت برخوردار است، اما چون دانش و معرفت مربوط به حوزه کاری خود را در حد مطلوب ندارد، ممکن است در بیشتر تصمیم‌گیری‌ها بر اساس ذوق و سلیقه خود عمل کند. این مدیران با وجود این که سعی می‌کنند حلال و حرام خدا را رعایت کنند و از سوی دیگر، با هوشیاری و سیاستی که دارند، مردم‌داری نمایند، اما به دلیل این که چندان اهمیتی به علم نمی‌دهند، فاقد گوش شنوا بوده و ممکن است کارشان به خودکامگی کشیده شود. هم‌چنین این مدیران ممکن است به دلیل ناکافی بودن علم‌شان، به ظاهر دین‌داری اکتفا کنند و از سوی دیگر به دلیل آشنایی با رفتارهای سیاسی دچار زد و بندهای گروه‌های سوداگر و سودجو شوند.

۵- مدیر فن‌سالار سوداگر در زندگی شخصی این گونه از مدیران دو وجه علم و سیاست نقش غالب را ایفا می‌کنند، ولی ویژگی‌های مربوط به ورع در آنان کمتر به چشم می‌خورد. یعنی اینان افرادی دانشمند و فرهیختگانی علم دوست هستند که جرأت و جسارت انجام کارهای بزرگ را دارند؛ زمانه را به خوبی می‌شناسند و مسئولیت پذیرند. اما آن گونه که شایسته یک مدیر نظام اسلامی است، خدا ترس نبوده و کاملاً پای‌بند امر و نهی الهی نیستند. به همین دلیل ممکن است در عرصه‌های آزمون الهی پایشان بلغزد. البته چون این افراد اهل علم و سیاست بوده و برای مردم کارهای مفید انجام می‌دهند، احتمال عاقبت به خیری و نجات و رستگاری برای آنها وجود دارد.

۶- مدیر متحجر

وجه غالب زندگی این دسته از مدیران تقوا و پرهیزگاری است. ولی به علم و سیاست چندان اهمیت نمی‌دهند. اینها را می‌توان شخصیت‌های یک بعدی دانست که

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

صرفاً وجه مربوط به ورع در آنها رشد کرده، ولی ابعاد دیگر شخصیت‌شان نابالغ مانده است. اینان حقایق و واقعیت‌های زندگی را آن‌گونه که هست، نمی‌توانند درک کنند و دانش کافی برای استنتاج درست از دین را نیز ندارند. از سوی دیگر، نمی‌خواهند خلاف تعالیم دینی گام بردارند؛ بنابر این، به دلیل ناآگاهی و از سوی دیگر تلاش در رعایت حلال و حرام الهی، در چنبره تنگ برداشت‌های شخصی و بعضاً نادرست از دین گرفتار می‌شوند. جالب این است که چنین کسانی خود را مجسمه دین و معیارهای شخصی خود را به عنوان خط‌کش اسلام به حساب می‌آورند که باید رفتار سایر افراد با آن سنجیده شود.

مدیر فن‌سالار

این گونه از مدیران نسبت به سایر ابعاد به علم اهمیت بیشتری می‌دهند؛ یعنی ویژگی علم‌گرایی در آنها غالب بوده و دو ویژگی ورع و سیاست مغلوب دارد. تمام هم و غم آنها دانش و تخصص مربوط و به کارگیری آموخته‌هایشان است و کار چندانی با این موضوع که در راستای چه اهدافی و در چه فضایی کار می‌کنند، ندارند. اینان شاید برای حفظ جایگاه علمی و فنی خود حاضر باشند با هر گونه حکومت و نظامی همکاری نمایند. ملکه آنها تخصص بوده و در راه کسب رضای خدا و خلق خدا چندان جدی نیستند.

۷- مدیر سوداگر

وجه غالب زندگی این گونه از مدیران را «سیاست» تشکیل می‌دهد و دو وجه ورع و علم در حالت مغلوب قرار دارند. اینان از درجات بالای تقوا و دانش برخوردار نیستند، اما رفتارهای سیاسی را به خوبی بلدند و آن را به نحو احسن به کار می‌گیرند. هر چند ممکن است از بصیرت و آگاهی نسبت به شرایط زمانه برخوردار باشند، ولی دانش و تقوای لازم را برای تصدی امور ندارند و بنابر این، چندان قابل اعتماد نیستند.

این افراد در تعامل با دیگران دوست دارند چنان وانمود کنند که چیزی بلدند ولی واقعیت این است که از دانش، معرفت و تقوای لازم برخوردار نیستند. حضرت امیر (ع) در مواجهه با چنین شخصی، هنگامی که آن فرد مسأله پیچیده‌ای را سؤال کرد، به نیت

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی

آن پی برده و فرمودند:

«برای فهمیدن پیرس، نه برای آزار دادن؛ که نادان آموزش گیرنده، همانند داناست، و همانا دانای بی‌انصاف چون نادان بهانه‌جو است (دشتی، حکمت ۳۲۰، ص ۷۰۶).»

۸- مدیر نالایق

هر سه ویژگی ورع، علم و سیاست در این افراد شکل مغلوب دارد و با توجه به این ابعاد نکته قابل توجهی در زندگی آنها وجود ندارد. با این اوصاف این گونه مدیران، افراد نالایقی هستند که صلاحیت و شایستگی باقی ماندن در اریکه قدرت و مناصب نظام اسلامی را ندارند.

نتیجه

با توجه به معانی مفاهیم و صفاتی که امام علی (ع) برای کارگزاران حکومت اسلامی برشمرده‌اند و حالت غالب و مغلوب بودن آن ویژگی‌ها (ورع، علم و سیاست) در مدیران، سنخ هشت‌گانه برای آنها شناسایی و تعریف شد که در آن کارگزاران به هشت دسته مدیران لایق، مدیران متعهد متخصص، مدیران متحجر سوداگر، مدیران فن‌سالار سوداگر، مدیران متحجر، مدیران فن‌سالار، مدیران سوداگر و مدیران نالایق تقسیم شدند.

این بحث را می‌توان جزو مباحث مدیریت اقتضایی به حساب آورد که از منظر اسلامی طرح شده و در ابتدای راه قرار دارد و با تلاش، مذاقه، مطالعه و مباحثه بیشتر قابلیت تبدیل شدن به یکی از نظریه‌های مدیریت اسلامی را دارد.

هم‌چنین می‌توان با طراحی پرسشنامه و استانداردسازی آن، وجوه غالب و مغلوب ویژگی‌های یاد شده را در مدیران شناسایی و جایگاه هر مدیر را در داخل طیف ویژگی‌های مدیران مشخص نمود. چون مشاغل مدیریتی مختلف با توجه به ماهیت فعالیت‌ها و سطح سازمانی که در آن واقع شده است به افراد با ویژگی‌های متفاوت نیاز دارد، با شناسایی ویژگی‌های مدیران، بهتر می‌توان آنان را در مشاغل متناسب با آن ویژگی‌ها به کار گمارد.

سنخ شناسی مدیران دینی؛ برداشتی از حدیث علوی

منابع و مآخذ

- الوانی، سید مهدی (۱۳۷۶)؛ «بهبود مدیریت از طریق ارزیابی سبک های مدیریت»؛ تازه های مدیریت؛ دوره چهارم، ش ۱۵.
- بن علی ابن الحسین، حسن (۱۳۶۶)؛ تحف العقول؛ تهران: انتشارات اسلامیه.
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۹)؛ ترجمه نهج البلاغه؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ ترجمه نهج البلاغه؛ قم: دفتر نشر الهادی.
- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۴)؛ اصول کافی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی، جلد اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
- معین، محمد (۱۳۷۸)؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیر کبیر.
- میرباقری، سید مهدی (۱۳۸۷)؛ جهت داری علوم از منظر معرفت شناسی؛ قم: پژوهش گاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۴)؛ شناخت روش علمی در علوم رفتاری؛ تهران: نشر پیک فرهنگ.

نگاهی به کرسی‌های نظریه‌پردازی در دانشگاه علامه طباطبائی